

دیوان کامل
مولانا سمیع الدین محمد

حافظ شری

مقدمہ دکتر بہاء الدین خرمشاہی

سر شقامه	حافظ، شمس‌الدین محمد، ق ۷۹۲
عنوان فرای دادی	[دیوان]
عنوان و پدیدآور	دیوان کامل مولانا شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: مقدمه بهاء‌الدین خرمشاهی: خط فتحعلی واشتقاقی فراهانی تهران: بزرگانی، ۱۳۸۵
مشخصات نشر	۵۴۰ ص
مشخصات ظاهری	ISBN 964-96206-3-X
شابک	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات لیبیا
یادداشت	شعر فارسی - قرن ۸
موضوع	: واشتقاقی فراهانی، فتحعلی، ۱۳۱۰، خطاط
شناسه افزوده	PR ۲۲۲ ۱۳۸۵
ردیفی کنگرد	۳۲۸۷۱
رده‌بندی دیوپی	شماره کتابخانه ملی ۸۴۰۳۷۲۰۰

دیوان حافظ

نسخه قاسم غنی و محمد قزوینی

خوشنویسی: فتحعلی واشتقاقی فراهانی

اسناد انجمن خوشنویسان ایران

مقدمه: استاد بهاء‌الدین خرمشاهی

لیتوگرافی: باران

چاپ: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

صحافی: علی

شابک: X - ۹۶۴۰۹۶۲۰۶-۳

ISBN 964-96206-3-X

مدیر تولید: بابک کاظمی‌راد

مدیریت اجرایی و نظارت فنی هنری: نشر بزرگانی

شمارگان: پنج هزار جلد

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶

حق چاپ محفوظ

انتشارات: بزرگانی

تلفن: ۲۲۵۴۰۳۱۸

پیشگفتار

حافظ از چه سخن می‌گوید

دیوان حافظ پس از قرآن پرخواننده‌ترین کتاب در ایران و حوزه تمدن و فرهنگ ایران اسلامی است که گستره آن بسی فراتر از مرزهای رسمی کنونی ایران است. و این مدعا چندان مشهود و مسلم و ثابت است که نیاز به اثبات ندارد.

بی‌هیچ گراف‌گویی، حافظ سلطان و سرآمد غزل است و غزل شیوایش فقط یک همتای قابل قیاس دارد و آن غزل شیرین سعدی است هر چه سعدی حلاوت دارد، حافظ ملاححت دارد سخن حافظ کمال کلام فارسی است با دورنمایه‌های متنوع‌تر و گسترده‌تر از هر شاعر دیگر در طول تاریخ و عرض جغرافیای زبان فارسی.

حافظ همچون سعدی و بیش از او از این بخت برخوردار بوده که در زمان حیات هفتاد و اند ساله‌اش مقبولیت مردمی یافته بوده است:
زبان کلک تو حافظ چه سُکر آن گوید

که گفته (تحفه) سخنت می‌برزد دست به دست

همچنین:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود
علی مکان ببین و زمان در سلوک شعر کین طفل یکشبه ره یکساله می‌رود
آری در ششصد و پنجاه سال گذشته از نیمه حیات حافظ حدوداً نیمه قرن هشتم
هجری تا امروز که از نظر زمانی نیمی از تاریخ شعر و ادب فارسی را در برمی‌گیرد شعر
حافظ در شرق دور و نزدیک، در شبه‌قاره هند و آسیای میانه، در قفقاز و آناتولی و
امپراطوری وسیع عثمانی تا حوزه بالکان و بوسنی (که گویند این کلمه همان بوستان

فارسی است) و در جزایر حاشیه خلیج فارس یعنی منطقه‌ای که گرداگرد امروز است بیش از شعر هر شاعر دیگری خوانده می‌شده و با آن مجالس قوالی و وجد و سماع در خانه و خانقاه و خرابات و همه‌گونه بزمها، رونق می‌گرفته است.

ژرف‌ترین و شگرف‌ترین سخنان حکمت‌آمیز فارسی در جامه شعر عیان و بیان شده است حافظ که مظهر اعتدال روح و روح اعتدال اقوام ایرانی است، و اگر سعدی به بیان حکمت عملی نیاکان ما با افزوده‌ها و آفریده‌هایی از طبع خلّاق خویش پرداخته، سخن حافظ اوج اعتلا و تالّو حکمت نظری ایرانیان است و چنانکه در جای دیگر به شرح بازگفته‌ام حافظ حافظ ماست، یعنی که سخنگوی خاطره قومی و حافظه جمعی و خودآگاهی انسان ایرانی است.

در این مقاله مجال آن نیست که در حدّ کمال یا کفایت از چه گفتن و چگونه گفتنهای حافظ سخن بگوییم. همین قدر عرض می‌کنم که فرق اصلی شخصیت حافظ با شعرا و عرفا و ادبای دیگر در این است که او با کمال ادب‌دانی، ادیب نیست و چنانکه پیشترها گفته‌ام نه فقط از مسائل ادبی که از مسائل ابدی نیز سخن می‌گوید. تنوع معانی و مضامین او نیز بسیار است. بین مضمون و معنی فرق است. مضمون از تلفیق ناظرانه موجودات شعری مثل ذره و خورشید و قطره و دریا و گل و بلبل و شمع و پروانه البته با کاریست مهارت هنری و صناعی به دست می‌آید ولی معنی از زندگی واقعی فراشعری سخن می‌گوید همین است که حافظ زندگی‌سرایی می‌کند و معناپروری و بین او و معاصران بزرگش چون سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی که بیشتر تخته‌بند مضمون‌پردازیهایی کلیشه و سستی هستند، فرق و فاصله پدید می‌آید، و دیوان حافظ زندگی‌نامه جمعی ما می‌شود. البته بزرگانی چون سنایی، عطار، مولانا و ابن عربی عارف شاعرند و حافظ شاعر عارف.

یک رکن دیگر سخن حافظ لذت‌گرایی و طبیعت‌گرایی و اغتنام فرصت است: صحن بستان ذوق‌بخش و صحبت یاران خوش است؛ خوشتر زعیش و صحبت باغ و بهار چیست؛ هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار کس را وقوف نیست که انجام کار چیست؛ که بیدریغ زنده‌روزگار تیغ هلاک؛ هر کسی پنج روز نوبت اوست. و از اشک و آه و درد و داغ خود سخن می‌گوید.

رکن دیگر شعر او اخلاق اخلاقیات و خلقیات است. از اخلاص و ترک رزق و ریا و نفاق؛ نیز پرداختن به صدق و صفا و راستی و درستی تا توصیه به وفاداری و پیمان

نگه داشتن، رازداری، و پرده ندریدن، و ذمّ بخل و دنیا دوستی، و ستایش بخشنده‌گی (تا ساغر پر است بنوشان و نوش کن) تا بیان احساس تنهایی و فقر و در عین حال حفظ قناعت و مناعت طبع (گنج زرگر نبود، کُنج قناعت باقیست) از آزادگی و کم‌آزاری، و نرنجیدن، زود آشتی کردن، و کینه نداشتن و بیان حدیث آرزومندی، و سخن از مروت و مدارا و مهر و مهربانی، امید ورزیدن و فالهای امیدوارانه زدن (چرا که حال نکو در قفای فال نکوست) قدر رفاقت را دانستن (که کیمیای سعادت رفیق بود) و ترک مصاحب ناجنس و همصحبیت بد، به شیرینی نصیحت کردن ولی خود نصیحت‌ناپذیر بودن (نصیحت همه عالم به گوش من با دست). اهل غم‌پرستی رمانتیک وار بودن و بلاکشی در راه عشق (بلایی کز حبیب آید هزارش مرجبا گفتیم) و به عهد امانت اهمیت دادن. رکن مهم دیگر شعر او اهمیت دادن به دین و خدا و پیامبران و آخرت و عوالم اخروی از شراب کوثر گرفته تا بهشت و دوزخ و نیز مرگ‌اندیشی کردن (بیدار شو که خواب عدم در پی است هی)، اما با طنز که مهم‌ترین دستمایه‌های شعر اوست (نگاه کنید به کتاب *حافظ حافظه ماست* از نگارنده این سطور مبحث طنز و نقل دهها بیت و غزل طنزآمیز از او) حتی مرگ را و آخرت را آماج نوشخند / نیشخند ساختن (شب رحلت هم از بستر روم در قصر حورالعین... پیاله بر کفتم بند تا سحر که حشر / به می زدل ببرم هول روز رستاخیز). و در این میان اهمیت راسخ و شامخی برای قرآن قائل بودن و بسی تضمین و ترجمه و تفسیر و اشاره و تلمیح به قرآن یا از قرآن و آیات و عبارات آن در شعر خود آوردن (کتابها و مقالات بسیاری در این زمینه داریم) و قائل شدن به اینکه هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم.

در پایان خداوند سبحان را که خیر حافظاً و حافظ آفرین است، از صمیم دل سپاس می‌گویم که بار دیگر توفیقش را رفیق را هم فرمود. تا این پیشگفتار را بر کتاب استادانه و هنرمندانه *دیوان حافظ* بر مبنای تصحیح شادروانان قزوینی - غنی، به قلم نستعلیق، به همت والای استاد فتحعلی واشقانی فراهانی، از خوشنویسان نامدار امروز و استاد انجمن خوشنویسان ایران، بنگارم و دست هنرآفرین ایشان را به نشانه مهر و ارادت و اعتقاد بفشارم، و از ناشر چنین اثر نفیسی سپاس خود را اعلام دارم. و حمد در آغاز و انجام خداوند راست

بهاءالدین خرمشاهی